



بحران آب، مردم و دولت در گفت‌وگو با دکتر جوادی یگانه

التماسی وزرا فایده ندارد باید رفتار مردم را شناخت

و حیدر اقدسی | بحران آب دیگر یک موضوع منطقه‌ای نیست، بلکه ابعاد ملی پیدا کرده و منشأ تنش‌های بین‌استانی شده است؛ این که این بحران را صرفاً موضوع اقتصادی یا زیست محیطی ببینیم، ساده‌انگاری بیش نیست، امروز مردم در موضوع آب در مرحله تنش اجتماعی قرار گرفته‌اند و همزمان نسبت به رفتار دولت در این زمینه بی‌اعتمادند؛ برای همین وقتی صحبت از صرفه‌جویی و کم مصرف کردن می‌شود، مردم عمل به آن را نشان‌سادگی و زودباوری می‌دانند! این‌ها تأثیرات اجتماعی بحران آب و عملکرد دولت است که در گفتگو با دکتر محمدرضا جوادی یگانه استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مطرح شد. وی بر آگاه‌سازی مردم تأکید می‌کند و این که از دولت کاری برنماید، چون خودش مسئول بحران امروز است. مشروح این گفتگو را در ادامه بخوانید.

طی چند سال اخیر، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که یکی از چالش‌های جدی دولت در سال‌های آینده بحران‌های زیست محیطی به ویژه در منابع آبی است. بحران آب در ایران چه تأثیرات اجتماعی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟ بحران آب اولاً آمایش سرزمین‌مان را بر هم می‌زند، به این معنا که بسیاری از مناطقی که الان حداقل آب را دارند، بعد از این دیگر آب نخواهند داشت و این یک مسئله خیلی جدی است. ثانیاً وضعیت کشاورزی و صنعت ما را هم تغییر خواهد داد چرا که کشاورزی

ما مبتنی بر برداشت بی‌رویه از منابع آب است که البته غیرمنطقی است و از طرفی آمایش صنعت ما هم به گونه‌ای نبوده که متناسب با مسئله آب باشد. در حال حاضر در بیشترین مناطقی که مشکل آب دارند، مانند اصفهان و یزد، کارخانه‌های فولادی قرار دارند که بسیار آب‌بر هستند و قاعدتاً نباید این قبیل صنایع در آنجا مستقر می‌شده‌اند. در واقع در مسایلی این چنین دولت و مجلس را مقصر می‌دانم. اصلاً در بسیاری مواقع دولت‌ها خودشان به مسائل اجتماعی دامن می‌زنند که آب هم یکی از آن‌هاست. چرا باید در یزد کم آب، کارخانه

فولاد داشته باشیم. من متخصص نیستم اما این که در یزد تکنولوژی فولاد می‌آید کار غلطی است. در حالی که ما هم در شمال و هم در جنوب دریا داریم و اتفاقاً دریای جنوب مستعد خیلی از این صنایع است و اصلاً برای امنیت ملی مان هم خوب است که بخش‌های حاشیه کشور بیشتر توسعه پیدا کنند. بنابراین اگر با این دید نگاه کنیم به نظر من یکبار دیگر باید به صورت جدی برویم سراغ آمایش سرزمین و این که ملی ببینیم. از طرفی دیگر وقتی امکانات کشور کم است، صدا و سیما به جای مدیریت هوشمندانه خواسته‌های مردم، به آنها دامن می‌زند. هر چند که به گمان خودش رسالت نقد اجتماعی را انجام می‌دهد. یا در مسئله جمعیت، اکنون که بحث افزایش جمعیت مطرح است باید آمایش سرزمین به گونه‌ای باشد که مشخص کند جمعیت در چه مناطقی افزایش پیدا کند که از نظر آب محدودیت نداشته باشیم. این نمی‌شود که از یک طرف افزایش جمعیت را مطرح کنیم، از طرفی دیگر هم بگوییم بحران آب داریم، این یک جور تعارض است.

بنابر این اگر آمایش سرزمین داشته باشیم می‌توانیم مشخص کنیم که کدام مناطق از نظر آب مشکل ندارند و بنابر این مستعد افزایش جمعیت‌اند، می‌خواهم بگویم این دغدغه‌ها خیلی اهمیت دارد و کمتر به آن توجه می‌شود.

در رابطه با آب ما همواره شاهد تخصیص‌هایی در مناطق مختلف کشور بوده‌ایم. نظیر اتفاقی که در رابطه با تونل گلاب ۲ میان اصفهان و چهارمحال بختیاری و خوزستان رخ داد یا اعتراض‌هایی که در رابطه با زاینده‌رود شکل گرفت. حتی گاهی مشکلات کمبود آب به درگیری مسلحانه هم کشیده شده و تلفات جانی هم داشته‌است. با توجه به این سابقه، به نظر شما آیا بحران آب باعث شکل‌گیری تنش‌هایی ملی نیز خواهد شد؟ خود این مواردی که ذکر کردید ملی است. وقتی دو استان با یکدیگر درگیر می‌شوند، این خودش تنش ملی است. وقتی نماینده مجلس اصطلاح «آب دزدی» را به کار می‌برد این یعنی که تنش ملی است. من همین الان هم بحران آب را تنش ملی می‌دانم. مسئله تونل کوهرنگ، دریاچه ارومیه و غیره همه ابعاد ملی پیدا کرده‌اند؛ مانند بحران‌های زیست محیطی دیگر نظیر آلودگی هوا.

به نظر شما مردم تا چه اندازه نسبت به بحران آب آگاهی یافته‌اند؟ آیا دولت می‌تواند در رابطه با این بحران، مردم را همراه خود کند؟

مسئله این است که ما یک بحران واقعی داریم که بحران آب است؛ اما این که مردم این را به عنوان یک بحران تلقی کنند به نظر من این طور نیست؛ حداقل من در تهران این را ندیده‌ام. در موضوع آلودگی هوا مردم هوای آلوده را می‌بینند و حس می‌کنند که هوا آلوده‌است و ریزگرد از عراق می‌آید. در رابطه با آب الان ما